

طراحی نظام جامع حمایت خانواده

فرج‌الله هدایت‌نیا

عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ایران، تهران.

Hedayat47@gmail.com

چکیده

تحکیم خانواده از طریق پیشگیری یا ساماندهی مشکلات آن، دغدغه مهم مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و کارشناسان مسائل اجتماعی است. تا کنون نیز کارشناسان علوم مختلف، طرح‌های متنوعی برای آن ارائه کرده‌اند؛ اما به سبب چندلایه بودن مشکلات خانواده، طرح‌های تک‌ساحتی متخصصان علوم مختلف نتوانسته‌اند آن‌طور که انتظار می‌رود برای مدیریت مشکلات خانواده مؤثر باشد. در این پژوهش، در رویکردی میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از علوم مرتبط با خانواده، مناشی آسیب‌های خانواده شناسایی و متناسب با آن نظام جامع حمایت از خانواده در حقوق عمومی ایران طراحی می‌گردد. این طرح مناشی مشکلات خانواده را به نادانی، ناتوانی و نافرمانی بازمی‌گرداند و متناسب با این آسیب‌های سه‌گانه، سه راهبرد کلان «آموزش و مهارت‌افزایی»، «حمایت و توان‌افزایی» و «مشاوره و داوری» را به عنوان مسئولیت‌های مهم دولت برای مهار آنها بررسی، و راهکارهای اجرایی هر یک را تبیین می‌کند.

کلیدواژگان: طرح، نظام، جامع، حمایت، خانواده.

مقدمه

کسانی که با تعالیم اسلامی آشنا هستند به خوبی می‌دانند که خانواده در اسلام از موقعیت ارزشی ممتازی برخوردار است. نگاه اسلام به خانواده از سه اصل اساسی استنباط می‌گردد: تشویق و تسهیل ازدواج، تحکیم خانواده، و انحلال حداقلی آن. قرآن کریم در خطابی عمومی به تزویج جوانان و تشکیل خانواده فرمان داده و فرموده است: «مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید» (نور: ۳۲). از سوی دیگر، آیات متعددی از قرآن بر تحکیم خانواده دلالت دارد؛ از جمله آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء که می‌فرماید: «اگر از جدایی میان آن دو بیم دارید پس داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن تعیین کنید؛ اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد...». منفی‌نگری به طلاق (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۴)، تقبیح واسطه‌گری در شقاق و طلاق (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۶، ص ۲۸۸)، و سخت‌گیری در فرایند طلاق^۱ از جمله مؤیدات اصل طلاق حداقلی در اسلام است. این اصول در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به خوبی منعکس شده است. در اصل دهم این قانون آمده است: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

با توجه به آنچه گذشت، انتظار می‌رود که خانواده در جامعه ایرانی در وضعیت مطلوبی باشد؛ ولی متأسفانه چنین نیست. آمار بالا و رو به افزایش طلاق، خانواده را با بحرانی جدی مواجه ساخته است.^۲ تجرد میلیون‌ها جوان ایرانی را نیز باید به این مشکل افزود.^۳ این وضعیت

۱. فقه اسلامی برای طلاق شرایطی پیش‌بینی کرده است. توجه به مجموعه شرایط طلاق نشان می‌دهد که اسلام می‌خواهد از طلاق جلوگیری شود یا روندش به تأخیر افتد. داوری خویشان در منازعات خانوادگی، بطلان طلاق در حال قاعدگی یا نفاس زوجه و لزوم حضور دو شاهد عادل مرد برای استماع صیغه طلاق از جمله موانعی است که اسلام برای طلاق اندیشیده و حداقل فایده آن، طولانی شدن رسیدگی به دعوای طلاق و احیاناً پیشگیری از طلاق‌های هوس‌مدارانه است.

۲. آمارهای طلاق در جمهوری اسلامی ایران به وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای رسیده است. بنا بر اعلام مراجع رسمی، در سال ۱۳۹۷ در کل کشور (۵۴۹،۸۶۱) ازدواج به ثبت رسیده است؛ در حالی که در همین ظرف زمانی، (۱۷۴،۶۹۸) طلاق نیز در کشور به ثبت رسیده است (سیف‌الله ابوترابی (سخنگوی ثبت احوال)، پایگاه خبری، تحلیلی انتخاب (<https://www.entekhab.ir>))، تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۸/۳/۶، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۸/۳/۶). نسبت این دو رقم (۳۱،۷۷) به درصد است. این عدد میانگین آمار ازدواج و طلاق در کل کشور است. متأسفانه در بعضی استان‌های کشور وضعیت نگران‌کننده‌تر است. در تهران، آمار طلاق نسبت به ازدواج در سال ۱۳۹۶ از چهل و پنج درصد نیز فراتر رفته است (پایگاه اطلاع‌رسانی ثبت احوال ج.ا. ایران (<https://www.sabteahval.ir>))، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵).

۳. رسانه‌ها آمار جوانان در سن ازدواج را که هرگز ازدواج نکرده‌اند بیش از یازده میلیون نفر اعلام کرده‌اند. باید به

همه دلسوزان را به تلاش و تکاپو واداشت تا چاره‌ای بیندیشند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند که «ریشه مشکلات خانواده چیست؟» و «راهبردهای سامان‌دهی مشکلات خانواده کدام است؟». متخصصان دانش‌های مرتبط با خانواده نیز کوشیده‌اند از منظر دانش و حوزه مطالعاتی خود به پرسش‌های یادشده پاسخ بگویند. با توجه به تفاوت نوع نگاه آنان از منظر تخصصی، فهرست‌های متنوعی از مشکلات خانواده ارائه می‌گردد. متخصصان تعلیم و تربیت آسیب‌های اخلاقی‌ای نظیر دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، مقایسه‌گری، سخت‌گیری و کینه‌توزی را از مشکلات خانواده می‌دانند. فقها در بیان مشکلات خانواده به آسیب‌هایی مانند نشوز، شقاق، عیوب موجب فسخ و امراض مقاربتی اشاره می‌کنند. از نظر جامعه‌شناسان مشکلات خانواده عبارت‌اند از: اعتیاد، می‌گساری، فقر، استفاده بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی، خیانت یا روابط فرازنشویی و مانند آن. روان‌شناسان نیز مشکلات خانواده را در عناوین نارسایی جنسی شامل اختلال هویت، اختلال انحراف، اختلال عملکرد جنسی و همچنین بیماری‌های روانی و موارد دیگر طبقه‌بندی می‌کنند. آنان سپس از منظر دانش خود راه‌حلهایی را برای هر یک از آسیب‌های فوق ارائه می‌دهند.

مشکلات خانواده چندلایه است و با رویکرد تک‌ساحتی و با استفاده از ظرفیت‌های محدود هر یک از دانش‌ها نمی‌توان آنها را چاره‌جویی کرد. از سوی دیگر، آنچه از مشکلات خانواده در بالا بدان اشاره شد، در حقیقت از نوع معلول است و باید به علل و مناشی آن نیز توجه، و برای مهار آنها طرحی ارائه کرد. به همین دلیل نگارنده در رویکردی فراتر از دانش خاص، و به منظور مصداق‌شناسی، صورت‌بندی و منشأیابی مشکلات خانواده، آنها را به سه منشأ کلی «نادانی»، «ناتوانی»، و «نافرمانی» بازگردانده است.^۱ این سه در حقیقت ریشه‌های مشکلات خانواده‌اند و هر یک از آنها طیفی از آسیب‌ها را دربرمی‌گیرند. با توجه به توضیحاتی که در ادامه خواهد آمد، عمده مشکلات اخلاقی، فقهی - حقوقی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی خانواده در این تقسیم سه‌گانه جای می‌گیرند. این سه آسیب کلی ما را به سه راهبرد کلان برای تحکیم خانواده می‌رساند. این سه عبارت‌اند از «آموزش و مهارت‌افزایی»، «حمایت و توان‌افزایی»، و «مشاوره و داوری». توجیه منطقی سه‌گانه بودن راهبردهای کلان تحکیم خانواده آن است که آسیب نادانی با

این آمار، کسانی را که در حالت مجرد ثانوی به سر می‌برند اضافه کرد. مرکز آمار کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ زنان بی‌همسر به علت فوت شوهر یا طلاق را حدود سه میلیون نفر اعلام کرده است (<https://www.amar.org.ir>).

۱. این طرح برای نخستین بار در کتاب نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران توسط نگارنده این سطور تبیین شد که در فروردین سال ۹۶ منتشر شده است.

آموزش، آسیب ناتوانی با توان‌افزایی، و آسیب نافرمانی با حکمیت و داوری قابل‌چاره‌جویی است. بدین ترتیب منظومه آسیب‌های خانواده و طرح جامع و نظام‌مندی برای حمایت از خانواده شکل می‌گیرد.

رویکرد این پژوهش در بخش راهبردها و راهکارها حقوقی است و به حقوق عمومی خانواده ارتباط دارد. در حقیقت، پژوهش کنونی می‌کوشد مسئولیت‌های حاکمیت را برای حفظ و پایداری خانواده تشریح نماید. با توجه به این مقدمه، نوشتار کنونی می‌کوشد در قسمت نخست علل و مناشی کلی مشکلات خانواده را بررسی، و در قسمت دوم راه‌حل‌های آن را تبیین کند.

۱. نوشتار یکم: مناشی آسیب‌های خانواده

در رویکردی کلی مشکلات خانواده به سه منشا کلی «نادانی»، «ناتوانی»، و «نافرمانی» بازگردانده می‌شود. در حقیقت در پاسخ به این پرسش که چرا روابط همسری آسیب دیده‌اند، ممکن است به یکی از سه علت ندانستن (جهل)، نتوانستن (عجز)، یا نخواستن (نشوز) اشاره شود؛ زیرا بر اساس استقرای صورت‌گرفته، مشکلات اشخاص در روابط میان‌فردی یا برون‌فردی دست‌کم از یکی از این سه عامل ناشی می‌گردد. این سه در حقیقت ریشه‌های مشکلات خانواده‌اند و هر یک از آنها طیفی از آسیب‌ها را دربرمی‌گیرند که ساختار کلی آن در نمودار زیر قابل مشاهده است:



۱-۱. آسیب نادانی

ریشه بخش درخور توجهی از مشکلات خانواده نادانی است. گاه منظور از نادانی (جهل) است و به این اعتبار اشخاص به عالم و جاهل تقسیم می‌شوند. مراد از جاهل در این تقسیم بی‌سواد است. از این معنی در قرآن کریم به «امی» به معنای درس‌نخوانده و مکتب‌نرفته تعبیر شده است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۷). گاهی نیز منظور از جهل مفهومی مقابل عقل و خرد است و اشخاص به

عاقل و جاهل تقسیم می‌شوند. جاهل در این تقسیم ممکن است عالم باشد، ولی علمی دارد که برایش سودمند نیست.^۱ در کتب روایی ما فصلی به «العقل و الجهل» نام‌گذاری شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰). این نام‌گذاری مبین تمایز میان علم و جهل است. با توجه به آنچه بیان شد، نادانی در مفهوم مورد نظر ما با علم قابل جمع است. ممکن است فردی تحصیلات عالی داشته باشد، ولی از آگاهی و بلوغ فکری برای اداره خانواده و مدیریت مشکلات آن بی‌بهره باشد. مفهوم دیگر نادانی «غفلت» یا بی‌خبری یا بی‌توجهی است. در بعضی آیات قرآن، غفلت در مقابل علم بکار رفته است. مانند آیه ۷۴ سوره بقره که در آن آمده است: «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ خدا از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست. بنابراین، نادانی در مفهوم مورد نظر ما اعم از بی‌سوادی، بی‌خردی و بی‌خبری است.

بی‌شک، بخش درخور توجهی از طلاق‌های توافقی، از نادانی یا عدم آگاهی زوجین ناشی می‌شود. به شرحی که در ادامه خواهد آمد، نادانی به لحاظ سنخ‌شناسی به فقهی - حقوقی، و اخلاقی - مهارتی تقسیم‌پذیر است.

۱-۱-۱. نادانی فقهی - حقوقی

عدم آگاهی اعضای خانواده از احکام یا حقوق خانواده منشأ پاره‌ای از مشکلات خانواده است. اگر زوجین یا یکی از آنها به احکام یا حقوق و مسئولیت‌های همسری آشنا نباشند، نمی‌توانند مطالبات خود را به درستی تنظیم کنند و قادر به تأمین رضایت یکدیگر نخواهند بود؛ مانند مردی که به دلیل عدم آگاهی از حرمت واقعه در دوران قاعدگی، خواستار همبستری است، ولی زوجه تمکین نمی‌کند؛ یا زنی که نمی‌داند عدم تمکین از شوهر بدون عذر موجه، موجب نشوز است.

۱-۱-۲. نادانی اخلاقی - مهارتی

بایدها و نبایدهای اخلاقی بسی وسیع‌تر از الزامات حقوقی‌اند. اخلاق به تعالی و تکامل خانواده می‌اندیشد و ظرفیت آن در حفظ خانواده و تقویت پیوند همسری بیشتر از حقوق است. قدرشناسی، خشونت‌گریزی در تمام انواع کلامی و غیرکلامی آن، مهرورزی، خطاپوشی، عذرپذیری، سازگاری و موارد فراوان مذکور در آیات و روایات، مجموعاً می‌توانند مودت و رحمت میان زوجین را چونان روزهای نخست زندگی مشترک گرم و با نشاط نگاه دارند.

۱. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَعِلْمُهُ مَعَهُ لَمْ يَنْفَعَهُ» [لَا يَنْفَعُهُ] (نهج البلاغه، ص ۴۲۴، حکمت ۱۰۴).

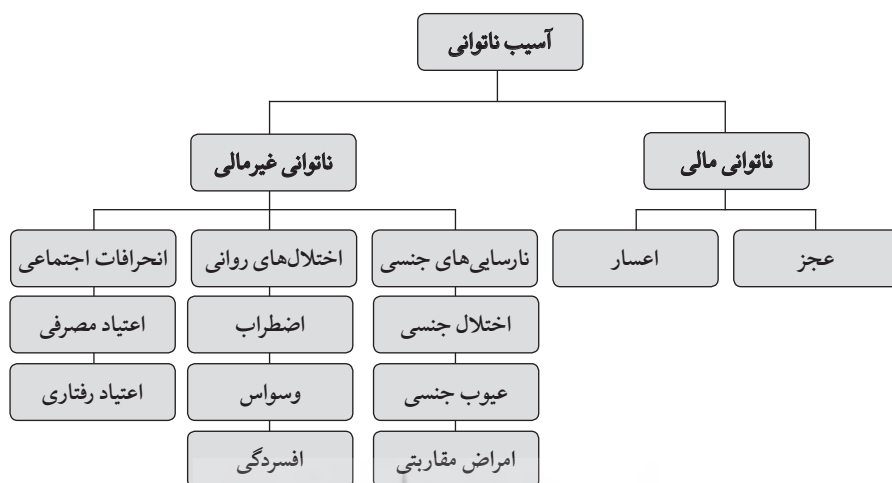
مقصود از مهارت در این بحث، مهارت‌های زندگی، از جمله مهارت‌های همسرداری و فرزندپروری است. عدم آگاهی از مهارت‌ها در روابط میان‌فردی منشأ بسیاری از مشکلات خانواده است. ممکن است زن و شوهر به وظایف خود آشنا باشند و مثلاً بدانند که باید به نیازهای عاطفی و جنسی همدیگر پاسخ دهند، ولی غالباً نمی‌دانند چگونه باید این کار را انجام دهند تا به رضایت حداکثری در روابط همسری دست یابند. همچنین ممکن است آنان از زشتی کاری واقف باشند، ولی ندانند چگونه آن را ترک کنند. برای مثال، کمتر کسی است که نداند خشم یک آسیب اخلاقی است؛ ولی کمتر کسی از نشانه‌های خشم در بدن خود و همسرش آگاه است و نمی‌داند چگونه خشم خود را فرو بنشانند یا خشم همسرش را مهار کند. به همین دلیل، فراگیری مهارت‌های زندگی، به‌ویژه مهارت‌های همسرداری و مهارت‌های زناشویی سهم بسیار زیادی در حفظ کانون خانواده دارد.

از سوی دیگر، بخش درخور توجهی از مشکلات خانواده از مداخلات خویشان و نیز از تهدیدهای رسانه‌های جدید و دیگر عوامل بیرونی ناشی می‌گردد. تهدیدهای بیرونی بر خانواده همیشه بوده و هست؛ ولی مسئله آن است که بسیاری از خانواده‌ها نمی‌دانند چگونه از مداخلات خویشان و اطرافیان پیشگیری کنند. همچنین آنان از سواد رسانه‌ای لازم برای بهره‌مندی صحیح از رسانه‌های نوین و مقابله با تهدیدها و آسیب‌هایش برخوردار نیستند. بدین ترتیب به میزان ارتقای سطح آگاهی اعضای خانواده نسبت به مهارت‌های زندگی، از مشکلات خانواده کاسته خواهد شد.

۲-۱. آسیب ناتوانی

ناتوانی در لغت معادل عجز و عدم قدرت بر انجام کاری است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۴۷؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۸۸۳)؛ ولی منظور از آن در این نوشتار مفهوم فقهی و حقوقی آن است؛ بنابراین شامل ناتوانی طبیعی و حکمی می‌گردد؛ زیرا در قرآن و روایات، ضرر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۲) و حرج (حج: ۷۸؛ مائده: ۶) نفی شده و در فقه اسلامی توانایی ضرری یا حرجی در حکم عجز است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۲۴۷؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹۶). با این بیان، هر آسیب جسمی یا روحی‌ای که زوجین به علت آن نتوانند به وظایف همسری خود به طور متعارف عمل کنند، ناتوانی به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، هرکس که جز با تحمل ضرر و حرج یا تحمیل ضرر و حرج به دیگری نتواند به وظایف شرعی یا قانونی عمل کند، ناتوان محسوب شده و تکلیف از او ساقط و در حکم ناتوانی است. ناتوانی به این معنا، طیفی از آسیب‌های خانواده

را شامل می‌گردد که مهم‌ترین آنها در نمودار زیر قابل مشاهده است:



۱-۲-۱. ناتوانی مالی

در روابط همسری زوجه از مسئولیت مالی معاف است و بنابراین ناتوانی مالی به زوج اختصاص دارد؛ زیرا تنها اوست که مسئولیت مالی دارد. وی ممکن است به سبب ازکارافتادگی، عاجز از انفاق باشد، یا به علت بیکاری و درآمد ناکافی معسر از انفاق به همسر باشد. همچنین، عقد نکاح زوجه را مستحق مهر می‌سازد. اعسار از تسلیم مهر به‌ویژه در فرضی که مهر المسمی تفاوت فاحشی با مهر المثل یا مهریه عرفی داشته باشد، مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

۱-۲-۲. ناتوانی غیرمالی

برخلاف امور مالی، زوجین در بعد غیرمالی تعهدات مشترکی دارند. حال اگر یکی از آنها به دلیلی قادر به ایفای وظایف همسری به‌طور متعارف نباشد، زندگی آنان دوامی نخواهد داشت. ناتوانی غیرمالی ممکن است از نارسایی‌های جنسی ناشی شود؛ مانند اختلال‌های جنسی (Sexual disorder) اعم از کژکاری‌های جنسی (Sexual Dysfunction)، انحرافات جنسی (Paraphilia) و اختلال هویت جسمی (Gender Identity Disorder). همچنین نارسایی جنسی ممکن است ناشی از امراض مقاربتی (STD: Sexually transmitted disease) یا عیوب جسمانی باشد. نیز ناتوانی در ایفای وظایف خانوادگی ممکن است ناشی از اختلال‌های روانی مانند پرخاشگری، استرس، و افسردگی یا آسیب‌های اجتماعی مانند فحشاء و انواع اعتیاد مصرفی و رفتاری باشد.

ناتوانی غیرمالی در همه انواع مزبور زندگی خانوادگی را از مدار صحیح و متعارف خارج می‌سازد؛ تعادل روانی زوجین را سلب می‌کند؛ به کاهش سطح رضایت در روابط همسران می‌انجامد و در درازمدت تهدیدی بر سلامت جسمی، روحی و اخلاقی آنان و نیز بقای خانواده خواهد بود.

۳-۱. آسیب نافرمانی

مقصود از نافرمانی، امتناع زوجین از عمل به وظایف شرعی یا حقوقی است. به عبارت دیگر، مراد از نافرمانی، تمرد در برابر حکم خدای متعال یا اراده قانون است. از این معنا در ادبیات قرآنی به «نشوز» تعبیر شده است (نساء: ۳۴ و ۱۲۸). واژه «نشوز» در لغت جمع «نُشز» و به معنای برتری، برآمدگی و ارتفاع است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۳۲). از نظر فقهی نشوز به معنای خروج از طاعت است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۲؛ همو، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱). ممکن است نافرمانی از سوی زوجین و به صورت متقابل باشد که از آن به شقاق تعبیر می‌شود (نساء: ۳۵)؛ زیرا شقاق (به کسر) در لغت به معنای دو نیم شدن (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۰۲) یا مشقت و دشواری است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۹۳)؛ و از نظر فقهی به کراهت توأم یا خصومت متقابل (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵۳؛ مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۱۹، ص ۵۴۴؛ مؤمن سبزواری، بی‌تا، ص ۱۹۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۶۲۲؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۲۵۳) یا نشوز متقابل (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۶۴؛ نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۴) معنا شده است. بنابراین به لحاظ ماهوی شقاق با نشوز فرقی ندارد و تمایز این دو با یکدیگر در آن است که نشوز، یک‌جانبه و شقاق، متقابل است. نشوز زوجین ممکن است مالی یا غیرمالی باشد. با توجه به مسئولیت انحصاری زوج در تأمین نفقه همسری، نشوز مالی تنها درباره زوج محقق می‌گردد و چنانچه زوج به رغم تمکن مالی، نفقه همسرش را در فرض تمکین نپردازد، ناشز شمرده می‌شود. نشوز در امور غیرمالی به صورت مشترک در مورد زوجین محقق می‌گردد. هرگاه آنان بدون عذری موجه به وظایف زناشویی خود عمل نکنند، ناشز شمرده می‌شوند؛ مانند ترک قسم و ترک موقعه نسبت به زوج و عدم تمکین نسبت به زوجه.

میزان درخور توجهی از طلاق‌های غیرتوافقی به نشوز باز می‌گردد. هر گاه یکی از زوجین به وظیفه همسری خود عمل نکند، پس از مدتی، طرف دیگر ترجیح می‌دهد راه خود را از وی جدا سازد و پیامدهای طلاق را از تحمل مشکلات همسری آسان‌تر می‌بیند. به شرحی که بیان می‌گردد، نشوز پیامدهای مدنی و کیفری دارد:

۱-۳-۱. ماهیت مدنی نشوز

امتناع زوج یا زوجه از ایفای وظایف همسری در هر یک از وظایف مالی و غیرمالی به لحاظ مدنی پیامدهایی دارد. امتناع زوجه از تمکین موجب سقوط حق وی بر نفقه می‌گردد. این مطلب در فقه اسلامی مسلم است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۴) و در قانون مدنی (ماده ۱۱۰۸) نیز به صراحت ذکر شده است. افزون بر این، زوج حق دارد همسر دیگری اختیار نماید، بدون اینکه نیازمند اخذ اجازه از همسر ناشزه باشد (ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳). در مقابل، امتناع زوج از انفاق، به زوجه حق می‌دهد که درخواست طلاق نماید (ماده ۱۱۲۹ ق.م)؛ زیرا او باید با همسرش به نیکی رفتار کند یا به شایستگی وی را رها نماید (بقره: ۲۲۹). درباره اثر ناتوانی جنسی زوج برای زوجه و اینکه آیا وی می‌تواند تقاضای طلاق نماید یا خیر، اتفاق نظر وجود ندارد (هدایت‌نیا، سال ۱۳۹۶، ص ۵۶)، و قانون مدنی نیز در این باره بیان صریحی ندارد.

۱-۳-۲. پیامدهای کیفری نشوز

در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، از میان مصادیق نشوز زوجین، تنها ترک انفاق جرم شمرده شد (ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده سال ۹۱) و درباره دیگر مصادیق آن قاعده و قانونی دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، در جمهوری اسلامی ایران نشوز زوج یا زوجه جرم به شمار نمی‌آید. بلحاظ فقهی نشوز به صورت کلی گناه محسوب می‌گردد. مؤید این مطلب آن است که قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره نساء، نشوز و اطاعت را در مقابل هم بکار برده است. بنابراین، نشوز عدم اطاعت از احکام خدای متعال در روابط همسری است و عدم اطاعت حرام است. از سوی دیگر، هر عمل حرامی بلحاظ فقهی قابل تعزیر است و حاکم می‌تواند به طریق مقتضی ناشز را به اطاعت وا دارد (نک: محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۴۷).

۲. نوشتار دوم: راهبردهای کلی تحکیم خانواده

در نوشتار نخست، مناشی آسیب‌های خانواده در سه عنوان کلی نادانی، ناتوانی، و نافرمانی تبیین شد. متناسب با این عناوین سه‌گانه، سه راهبرد کلی آگاهی‌بخشی، توان‌افزایی، مشاوره و داوری مطرح می‌گردد. این سه، مسولیت‌های کلی حاکمیت برای حمایت و پیشگیری از آسیب‌های خانواده است.

۱-۲. آموزش و مهارت‌افزایی

در نوشتار نخست اشاره شد که ریشه بسیاری از مشکلات خانواده عدم آگاهی به حقوق، اخلاق، و مهارت‌های تشکیل خانواده و روابط خانوادگی است. در این صورت، از طریق آموزش و ارتقای سطح آگاهی اشخاص نسبت به نحوه تشکیل و اداره خانواده و مقابله با تهدیدهای درونی و بیرونی آن می‌توان بر بسیاری از مشکلات چیره شد. آموزش و ارتقای سطح آگاهی مردم، تکلیفی بر عهده حکومت‌هاست. حکومت اسلامی نیز مکلف است آگاهی مورد نیاز را در حوزه‌های مختلف (از جمله سواد زناشویی) در اختیار مردم قرار دهد. در بیانی از حضرت علی علیه السلام درباره حقوق متقابل مردم و امام (به عنوان رئیس حکومت) آمده است:

أَيُّهَا النَّاسُ إِن لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَأَلَيْكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيِّنِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا...؛ (نهج البلاغه، ص ۴۴)؛ «حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نرزم و بیت‌المال را در راه شما به طور کامل به کار گیرم و شما را تعلیم کنم تا از جهل و نادانی‌های یابید و شما را تربیت کنم تا فراگیرید و آگاه شوید...».

در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز به مقوله آموزش خانواده توجه خاصی شده است. در ادامه مستندات حقوقی این مطلب بررسی می‌شود.

۱-۱-۲. آموزش خانواده در اسناد بالادستی و قواعد دستوری

در سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳/۶/۱۳۹۵) الزامات روشنی در خصوص آگاهی‌بخشی و مهارت‌افزایی دیده می‌شود. در قسمتی از بند پنجم آن آمده است: «به‌کارگیری یک‌پارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی». همچنین در بند دهم آمده است: «ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی- ایرانی در جهت استحکام خانواده». در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی) نیز الزامات حقوقی متعددی درباره آموزش و آگاهی‌بخشی به جوانان در شرف ازدواج یا مزدوجین مشاهده می‌شود. این سند سومین راهبرد کلان را به مسئله مهم «تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده» اختصاص داده و ذیل آن راهبردها و اقدامات ملی فراوانی را ذکر کرده، که از جمله آنها این موارد است: ارتقای مهارت‌های زندگی؛ معرفی و ترویج معیارها و شیوه‌های انتخاب همسر بر اساس آموزه‌های دینی و نقد ملاک‌ها و روش‌های ناهنجار در

این زمینه با بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های موجود به‌ویژه مشاوره خانوادگی؛ تسهیل امر شناسایی و همسرگزینی با بهره‌گیری از روش‌های اصیل خانوادگی سنتی و مشورت‌های افراد حقیقی و حقوقی ذی‌صلاح؛ تدوین منشور مشاوره خانواده و توسعه کمی، ارتقای کیفی و اصلاح، سامان‌دهی و نظارت و پایش مراکز مشاوره ازدواج و خانواده و خدمات اجتماعی مبتنی بر مبانی، روش‌ها و فنون اسلامی مشاوره؛ تدوین و اجرای برنامه جامع و فراگیر آموزش و مهارت‌آموزی خانواده. در تصویب‌نامه اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (مصوب ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و سیاست‌های کلی جمعیت (ابلاغی، ۱۳۹۳/۲/۳۰) نیز الزامات حقوقی درخور توجهی درباره لزوم آموزش و آگاهی‌بخشی مشاهده می‌شود که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۲-۱-۲. ضرورت آموزش خانواده در قوانین اجرایی

در قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب ۱۳۸۴) الزامات متعددی درباره آموزش پیش‌بینی شده است که از جمله آن الزامات مذکور در ماده پنجم است. در این ماده آمده است:

دولت مکلف است به منظور تکریم و ترویج سنت حسنه نبوی ازدواج، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب، با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی اقدامات ذیل را انجام دهد: ... (د) طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روش‌ها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی از طریق رسانه‌های گروهی، صدا و سیما، کتب درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش‌دانشگاهی) و آموزش عالی.

افزون بر آن، ماده هشتم قانون تسهیل ازدواج جوانان نیز الزام دیگری را متوجه دولت ساخته است که متن آن بدین شرح است:

دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر

برنامه‌های مشاوره برای همسرپایی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرمداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه [کند] و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد.

ماده سیزدهم این قانون وزرای امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی و کشور را درباره مواد مرتبط با هر یک از این وزارتخانه‌ها مسئول حسن اجرای این قانون در برابر مجلس شورای اسلامی دانسته است.

۳-۱-۲. بایسته‌های آموزش خانواده

به رغم وجود الزامات حقوقی صریح در لزوم آگاهی‌بخشی و مهارت‌افزایی، مقررات موجود در مقام اجرا چندان جدی گرفته نشده است.^۱ این امر دلایلی دارد که به اختصار بدین شرح‌اند:

۱. از جمله ملزومات طرح آموزش آن است که به تعداد مورد نیاز، مربی یا آموزشیار در اختیار باشد؛ زیرا بار اصلی آموزش یا مشاوره بر دوش آنهاست. اگر بنا باشد بیش از یازده میلیون جوان ایرانی در سن ازدواج، آموزش پیش از ازدواج را بگذرانند و نیز لازم باشد مزدوجین جوان مهارت‌های زندگی و نیز مهارت‌های همسرگزینی و همسررداری را بیاموزند، باید تا کنون هزاران کارشناس، مربی و مشاور واجد شرایط تربیت شده باشند. متأسفانه حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور خود را برای این وضعیت آماده نکرده‌اند و از توان عملیاتی لازم برخوردار نیستند. به همین دلیل، قوانین پیش‌گفته به صورت صوری اجرا می‌شوند و اطلاعات مختصری که ارائه می‌گردد، سودمند نیستند؛

۲. مخاطبان طرح آموزش خانواده‌ها و به طور خاص جوانان در شرف ازدواج با مزدوجین جوان هستند. متأسفانه برای این نیاز همگانی تقاضا وجود ندارد. جوانان لزومی نمی‌بینند که در دوره‌های آموزش پیش از ازدواج شرکت کنند یا به مراکز مشاوره مراجعه نمایند. در حالی که از رسانه‌های عمومی، بلکه از رسانه ملی شاهد ایجاد تقاضاهای کاذب در حوزه مصرف هستیم، درباره مسئله مورد بحث تلاشی دیده نمی‌شود. براین اساس لازم است طرح آموزش پیش از ازدواج آماده گردد و در آن مشوق‌هایی برای جوانان پیش‌بینی شود؛

۳. یکی دیگر از ملزومات طرح آموزش جوانان، آماده‌سازی محتوای آموزشی به صورت کاربردی، جذاب، و منطبق با آموزه‌های علمی، درباره «مهارت‌های زندگی»، «معیارها و مهارت‌های همسرگزینی»، «مهارت‌های همسررداری»، و «مهارت‌های فرزندپروری» است. این کار برای ایجاد رویه مشخص و پیش‌گیری از سلیقه‌ای شدن آموزش و احیاناً طرح مباحث کم‌فایده یا ناسازگار با آموزه‌های اسلامی ضروری است.

۱. به عنوان نمونه به گزارش دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان که در تاریخ ۸۹/۰۶/۲۷ منتشر گردید اشاره می‌شود. در قسمتی از این گزارش چنین آمده است: «قانون تسهیل ازدواج جوانان به منظور حل مسائل و مشکلات مربوط به ازدواج جوانان در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ به تصویب مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۷ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت... اکنون چهار سال از زمان تصویب این قانون می‌گذرد اما هنوز هم اجرای این قانون، معطل ایجاد صندوق اندوخته ازدواج جوانان (ماده ۱) و تدوین آیین‌نامه اجرایی آن (ماده ۱۱) است...» (<http://rc.majlis.ir/fa/news/show>؛ ۷۸۱۹۶۵).

۲-۲. حمایت و توان‌افزایی

در برخی موارد، به رغم آگاهی زوجین از مسئولیت‌های همسری، آنان قادر نیستند به مسئولیت‌های خویش عمل کنند. به شرحی که قبلاً آمد، ناتوانی به مالی و غیرمالی تقسیم می‌گردد، و به همین دلیل، راهبرد حمایت نیز به «فقرزدایی» و «درمانگری» قابل تقسیم است:

۱-۲-۲. فقرزدایی

اغلب اشخاص پیامدهای فقر را دست‌کم در مقطعی از زندگی خویش تجربه کرده‌اند و این موضوع بی‌نیاز از اقامه دلیل و برهان است. در روایات اسلامی نیز به پیامدهای اعتقادی و اجتماعی فقر اشاره شده است که از ذکر آنها خودداری می‌گردد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷ و ج ۸، ص ۲۰؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹ و ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ نهج البلاغه، ص ۴۷۲، حکمت ۳۱۱). آثار فقر در خانواده از جهتی مخرب‌تر از آثار اجتماعی آن است. فقر زمینه اجرای بخش مهمی از آموزه‌های دینی و احکام حقوقی در روابط همسران را از بین می‌برد. مهر و نفقه از تعهدات شوهر است که عمل به آن نیازمند تمکن مالی است. همچنین فقر بر تعاملات عاطفی و جنسی زوجین تأثیر سوء دارد. به همین دلیل در اسلام و قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران برای دولت مسئولیت‌های مهم اقتصادی‌ای در قبال خانواده، بدین شرح پیش‌بینی شده است:

۱. نظام اسلامی در خصوص حمایت مالی از خانواده مسئولیت محوری دارد. به روایت موسی بن بکر، امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: هر کس از راه حلال در مقام کسب درآمدی باشد تا با آن خود و خانواده‌اش را اداره کند، مثل شخصی است که در راه خدا جهاد نماید. اگر از عهده کسب برنیامد، باید از خدا و پیغمبر (از بیت‌المال) به اندازه قوت خانواده‌اش وام بگیرد. پس در این صورت اگر بمیرد و دینش را ادا نکرده باشد، پرداخت آن بر عهده امام است. اگر امام از پرداخت دین خودداری کند، مسئول است. خداوند عزوجل می‌فرماید: صدقات مخصوص فقرا، مساکین و مأموران وصول صدقات است. کسی هم که از پس کسب درآمد برای خانواده برنیاید، فقیر، مسکین و وام‌دار است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۸۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۳)؛

۲. در اسناد بالادستی و قواعد دستوری جمهوری اسلامی ایران بر مسئولیت اقتصادی دولت در قبال خانواده تأکید شده است؛ مانند سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی مقام معظم رهبری، ۹۵/۶/۱۳) که در قسمتی از آن آمده است: «ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن». نیز در قسمتی دیگر آمده است: «ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر

خانواده از اوقات فراغت به صورت جمعی». همچنین در تصویب نامه «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، مصوب ۱۳۸۴/۰۴/۰۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی» و در بخش راهبردهای مربوط به هدف دوم، بر «اتخاذ تدابیر مناسب جهت اصلاح قوانین و ساختارهای حقوقی، اقتصادی و فرهنگی برای پیشگیری از وقوع طلاق» تأکید شده است. در بخش سیاست‌های اجرایی مربوط به آن نیز نکات قابل توجهی دیده می‌شود؛ از جمله: ایجاد تسهیلات لازم جهت حمایت مادی و معنوی خصوصاً از خانواده‌های جوان در دوران تحصیل و سربازی؛ تقویت مشارکت خانواده‌ها و اقدام در تأمین نیازهای اقتصادی و مادی زوج‌های جوان به هنگام ازدواج؛ ترویج دیدگاه‌های صحیح اجتماع در خصوص تقلیل هزینه‌های ازدواج از قبیل جهیزیه سبک، مهریه متناسب و کاهش هزینه‌های جشن ازدواج و پرهیز از تحمیل هزینه‌های سنگین؛ تواناسازی اعضای خانواده از طریق کسب مهارت‌های لازم، به منظور تأمین نیازهای اساسی خانواده از طریق نظام آموزش رسمی و فرهنگ عمومی. همچنین در نقشه مهندسی فرهنگی کشور، سیاست‌های کلی جمعیت، و قانون تسهیل ازدواج جوانان، تدابیر اقتصادی متعددی پیش‌بینی شده است که ذکر آنها به طولانی شدن این نوشتار می‌انجامد.

۲-۲-۲. درمانگری

تحکیم خانواده مستلزم تواناسازی زوجین از طریق پیشگیری یا رفع آسیب‌های جسمی، جنسی، و روحی- روانی است. بدین ترتیب لازم است مباحث این قسمت در دو بند دنبال شوند:

۱) پیشگیری از ازدواج‌های آسیب‌زا: شناسایی و درمان نارسایی‌های جنسی، بیماری‌های روانی و انحرافات اجتماعی دشوار است و به همین دلیل پیشگیری به مراتب آسان‌تر و مؤثرتر از درمان است. لزوم پیشگیری از ازدواج‌های آسیب‌زا از گذشته مورد توجه قرار داشته و در قانون حمایت خانواده جدید نیز مقررات نسبتاً جامعی در این زمینه دیده می‌شود. در قسمتی از ماده ۲۳ این قانون آمده است: «دفاتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح، گواهی صادرشده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند». همچنین در تبصره این قانون آمده است: «چنانچه گواهی صادرشده بر وجود اعتیاد یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آنها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین شده معرفی می‌شوند»؛

۲. درمان آسیب‌های زناشویی: درمان آسیب‌های روابط همسری مستلزم اتخاذ سازوکاری برای شناسایی آنهاست. شناسایی بعضی آسیب‌ها مانند اعتیاد چندان دشوار نیست؛ ولی شناسایی بعضی آسیب‌های دیگر مستلزم مداخله کارشناسان یا مشاوران است. این کار با تعامل محاکم قضایی و مراجع کارشناسی صورت می‌گیرد. بهره‌گیری از کارشنان در دعوی خانواده برای شناسایی علت منازعه، سال‌ها پیش در «طرح تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص» کانون توجه قرار گرفته بود. در قانون حمایت خانواده جدید فصلی به «مراکز مشاوره خانوادگی» اختصاص یافته است. مطابق ماده ۱۶ این قانون، قوه قضائیه مکلف شده است که به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند. مطابق ماده هفدهم این قانون، ترکیب اعضای مراکز مشاوره چنین است: «اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند». با توجه به عضویت روان‌پزشکان و روان‌شناسان در مراکز مشاوره، این مرکز از ظرفیت بالایی در شناسایی اختلال‌های مورد بحث برخوردار است.

با پیشرفت علوم روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پزشکی، ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و میان‌فردی قابل تشخیص شد و درمانشان مقدور گردید.^۱ بدین ترتیب با درمان آسیب‌های زنان و مردان می‌توان از آثار و پیامدهای این آسیب‌ها جلوگیری کرد. البته این پایان راه نیست و دانش بشر در شناخت خود در میانه راه و بلکه آغاز راه است. کارشناسان درمان‌های متنوعی را برای اختلالات و انحرافات جنسی ذکر می‌کنند (آذر و نوحی، ۱۳۸۷، ص ۹-۱۵۰). رفتاردرمانی، شناخت‌درمانی، روان‌کاوی، دارودرمانی، استفاده از برخی دستگاه‌های ویژه و هیپنوتیزم‌درمانی، روش‌های شناخته‌شده درمان اختلال یا انحرافات جنسی هستند (هالچین و دیتبورن، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۵۰).

درباره درمانگری باید به نکته مهمی اشاره شود: گاهی فردی به لحاظ جنسی بیمار و به لحاظ مالی ناتوان از تأمین هزینه درمان است. در حقیقت در این فرض دو آسیب ناتوانی مالی و غیر مالی جمع شده است. بدین ترتیب این فرد مستحق دریافت خدمات درمانی همراه با تأمین هزینه درمان است.

۱. دکتر قره‌داغی (مدیر کل پژوهش و منابع علمی سازمان پزشکی قانونی) می‌گوید: با اطمینان می‌توان گفت ۱۰۰ درصد موارد ناتوانی جنسی در مردان یا با دارودرمانی یا جراحی کاملاً درمان می‌شود. (<http://jamejamonline.ir/sara> ۱۳۰۳۴/۱۳۰۳۴۵۶۱۳۱۱۷۳۹۳۱۲۷۷۳ تاریخ مراجعه: ۹۴/۱۰/۳).

۲-۳. مشاوره و داوری

سومین منشأ مشکلات خانواده نافرمانی یا امتناع زوجین از ایفای وظایف همسری است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از این آسیب در ادبیات فقهی به نشوز تعبیر می‌شود. برای این آسیب دو راهکار وجود دارد: نخست، حکمیت یا داوری خویشان، و دوم مشاوره. حکمیت مصدر جعلی از «حکَم» و آن در لغت به معنای «منع» است. البته نه مطلق منع، بلکه منعی که با هدف اصلاح و تصحیح کجی صورت می‌گیرد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۸). از این رو به لگام چهارپا «حکمة الدابه» می‌گویند؛ زیرا مانع سرکشی وی می‌شود و حیوان را رام و مطیع می‌سازد (همان). در سایر مشتقات این واژه نیز همین معنا به اضافه خصوصیتی که از وزن و قالب خاص آن ناشی می‌شود وجود دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۶۴).

به دلایلی که در ادامه نوشتار تشریح می‌شود، رسیدگی قضایی محض در حفاظت از خانواده کم‌توفیق است، در حالی که نهاد قرآنی حکمیت یا داوری در صورتی که به درستی عملیاتی شود، می‌تواند بسیاری از مشکلات خانواده را برطرف سازد.

۱-۳-۲. ظرفیت‌های داوری در تحکیم خانواده

قرآن کریم آیه‌ای را به مسئله حکمیت یا داوری اختصاص داده و در آن به شرایط داوران و نقش آنان در ایجاد سازش میان زوجین اشاره کرده است. خداوند سبحان در آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «اگر از جدایی میان آن دو بیم دارید، پس داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است.»

داوری در شمار شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR) قرار می‌گیرد. این اصطلاح در حقوق ایران دو کارکرد متفاوت غیرقضایی و شبه‌قضایی دارد. داوری در قانون حمایت خانواده یک نهاد کاملاً «غیرقضایی» و هدف آن صلح و سازش است. این مطلب در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده به صراحت بیان شده است. مطابق این قانون، «در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند». همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این قانون برای داوران صلاحیت صدور رأی پیش‌بینی

نشده است و صدور رأی پس از داوری و با توجه به نتیجه آن توسط دادگاه صورت می‌گیرد. بنابراین، داوری در قانون حمایت خانواده مانند مرکز مشاوره صرفاً برای صلح و سازش است. بر خلاف داوری در قانون حمایت خانواده، داوری در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی یک نهاد شبه قضایی است. در مواد متعددی از قانون آیین دادرسی از «رأی داوری» و شرایط اعتبار آن سخن به میان آمده است؛ مانند ماده ۴۸۱ درباره موارد از بین رفتن رأی داوری، ماده ۴۸۲ درباره لزوم موجّه و مدلل بودن رأی داور، و ماده ۴۸۹ درباره موارد بطلان رأی داور. حقوقدانان نیز برای داوری و رأی داور در آیین دادرسی مدنی اعتبار امر قضاوت شده قایل شده‌اند. بعضی اساتید حقوق در این خصوص چنین گفته‌اند: «داور کسی است که قانون به طور موقت و در مورد خاص و وظیفه دادرسی را به او میسپارد، و هنگام اجرای وظایف خویش یک مأمور عمومی است. نظر داور، مانند رأی دادگاه بر حسب طبیعت خود دارای اعتبار امر قضاوت شده است و دادگاه نمی‌تواند دعوی را که به داوری پایان یافته است بشنود»؛ (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۷؛ و ن.ک: واحدی، بی‌تا، ص ۳۸۵؛ متین دفتری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۵).

مهم‌ترین مزیت داوری بر دادرسی در دعاوی خانواده رویکرد «خانواده‌محوری» آن است. در رویکرد خانواده‌محور، آنچه مورد حمایت قرار می‌گیرد مصالح کلان و نیازهای همه اعضای خانواده است؛ به همین دلیل تلاش می‌شود تا طرفین مصالحه نمایند و با دست‌کم تصمیمی گرفته شود که به بقای خانواده کمک کنند. این در حالی است که روش قضایی معمولاً فردمحور است. دادرسی در پی کشف حقیقت و احقاق حق است و نتیجه رسیدگی، صدور رأی به سود یک طرف دعوی و علیه طرف دیگر دعوی است. در روش قضایی که هدف آن احقاق حق با ابزار خشک حقوقی است، نوعاً مصالح کلان خانواده در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، برخی مشکلات نهاد خانواده به روش قضایی قابل حل نیستند؛ مانند طلاق توافقی که در سال‌های اخیر آمارش افزایش چشمگیری داشته است و از کاهش سطح رضایت در روابط همسران ناشی می‌شود.

۲-۳-۲. ارزیابی کارآمدی داوری و مشاوره در تحکیم خانواده

نص قانون اساسی آن است که هدف ایجاد دادگاه خانواده «حفظ کيان و بقای خانواده» است (بند سوم اصل ۲۱). برای دستیابی به این هدف در معیت دادگاه خانواده مراکز داوری و مشاوره ایفای نقش می‌کنند. مراکز داوری سال‌های متوالی است که در محاکم خانواده به ایفای نقش می‌پردازند، ولی نتوانسته‌اند آن‌طور که باید گرهی از مشکلات خانواده باز کنند و در ایجاد سازش میان زوجین کم‌توفیق بوده‌اند. هرچند آمارهای دقیقی از عملکرد مراکز داوری در محاکم خانواده

ارائه نشده، ولی بررسی‌های موردی نگارنده حکایت از آن دارد که سهم داوران در ایجاد سازش میان زوجین بسیار ناچیز بوده است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷). دلیل این وضعیت آن است که شرایط و ویژگی‌های داوران در حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران با ماهیت و ویژگی‌های قرآنی یا فقهی آن انطباق‌پذیر نیست. عدم رعایت شرط قرابت و شرط خبرویت، انگیزه اقتصادی داوران و فقدان قصد اصلاح از جمله علل مهم کم‌توفیقی نهاد داوران در پیشگیری از طلاق است (همان، ص ۲۶۰).

مراکز مشاوره با قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۱ وارد چرخه دادرسی در دعاوی خانواده شده‌اند و به دلایلی که شرحشان خارج از هدف این نوشتار است، هنوز عملاً و به صورت فراگیر آغاز به کار نکرده‌اند. به همین دلیل ارزیابی‌ای از درجه تأثیرگذاری آنها در فرایند تحکیم خانواده صورت نگرفته است.

۳-۲-۳. طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوران

قانون حمایت خانواده جدید برای پیشگیری از طلاق دو مرکز داوران و مشاوره پیش‌بینی کرده است. مطابق مواد ۲۵ و ۲۷ قانون حمایت خانواده، طلاق توافقی در صلاحیت مرکز مشاوره قرار گرفته است و دیگر طلاق‌ها در صلاحیت داوران قرار دارند. تعدد مراکز مشاوره و داوران و تفکیک صلاحیت‌های آنها مشکلات نظری و اجرایی دارد که شرحشان از هدف این نوشتار خارج است. بنا به شرحی که در ادامه خواهد آمد، بهتر است مرکز جامعی که واجد مزیت‌ها و صلاحیت‌های مراکز مشاوره و داوران باشد، جای‌گزین این دو گردد. این طرح به ارتقای قابلیت‌های نهاد داوران می‌انجامد. در ادامه ساختار طرح و ظرفیت‌های آن تشریح می‌گردد.

یکم: ساختار طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوران

بر اساس پیشنهاد نگارنده، مرکز جامع داوران و مشاوره از ساختار دوگانه برخوردار است؛ بعضی اعضای آن ثابت و بعضی دیگر متغیر خواهند بود. برای اعضای ثابت مرکز جامع داوران و مشاوره، همان ترکیب مرکز مشاوره در ماده هفدهم قانون حمایت خانواده جدید بسیار مناسب است؛ یعنی گروهی متشکل از روان‌شناس، روان‌پزشک، حقوق‌دانان و دیگر تخصص‌های مرتبط. بدین ترتیب مرکز جامع داوران و مشاوره دست‌کم سه یا چهار عضو ثابت از کارشناسان مختلف خواهد داشت و با وجود این اشخاص، مرکز جامع از توان کارشناسی بالایی برخوردار می‌گردد. افزون بر اعضای ثابت، مرکز جامع داوران و مشاوره اعضای متغیر نیز خواهد داشت. اقارب صاحب صلاحیت

زوجین طرف دعوی، اعضای متغیر مرکز جامع داوری و مشاوره خواهند بود. ممکن است در بعضی موارد از دوستان یا مرتبین زن و شوهر نیز به عنوان مطلع یا گواه در جلسات مرکز جامع دعوت به عمل آید. نیز ممکن است به اقتضای علل اختلاف زوجین، حضور افراد متخصص دیگری غیر از آنچه در بند سابق بیان شد سودمند باشد. افزون بر همه آنها، زن و شوهر طرفین دعوی هستند و حضور آنان دست کم در بعضی جلسات ضرورت دارد. بنابراین آنان اعضای متغیر مرکز جامع خواهند بود.

مرکز مشاوره به ترتیبی که در قانون حمایت خانواده ذکر شده است، از توان کارشناسی مطلوبی برخوردار است؛ ولی مشکلش این است که اقارب زوجین در آن حضور ندارند. در طرح تلفیق، حضور اقارب زوجین در مرکز جامع داوری و مشاوره، آن را به طرح قرآنی حکمیت نزدیک خواهد کرد.

دوم: ظرفیت‌های طرح طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوری

طرح تلفیق، ظرفیت‌های مثبت مراکز مشاوره و داوری را جمع می‌نماید و از این طریق توان دادگاه خانواده در حفظ کیان و بقای خانواده ارتقا می‌یابد. ظرفیت کارشناسی و اصلاحی مرکز جامع به شرح زیر است:

۱. ظرفیت کارشناسی مرکز جامع داوری و مشاوره: ریشه‌ها یا علل مشکلات خانواده از جهتی به درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. ناآگاهی زوجین از مهارت‌های همسررداری یا زناشویی، ابتلای زوجین به اختلال‌های جنسی، بیماری‌های روانی، امراض مقاربتی و مانند آن، علل درون خانوادگی مشکلات آنان است. گاهی ریشه مشکلات زوجین مداخله‌های اطرافیان و علل برون خانوادگی است. ظرفیت کارشناسی مراکز مشاوره و داوری در مشکلات مزبور متفاوت است. مرکز مشاوره یک تیم کارشناسی است و این وضعیت می‌تواند توان کارشناسی مرکز مشاوره را در زمینه مشکلات درون خانوادگی یا مشکلات فردی و میان‌فردی ارتقا بخشد، درحالی‌که داوری یا حکمیت در قانون حمایت خانواده چنین ظرفیتی ندارد. البته در خصوص مشکلات برون خانوادگی یا فرافردی، وضعیت به‌عکس است. اعضای مرکز کارشناسی با زوجین رابطه خویشاوندی ندارند و به همین دلیل به‌آسانی نمی‌توانند علل برون خانوادگی را شناسایی کنند؛ درحالی‌که داوری می‌تواند چنین کارکردی داشته باشد.

با توجه به آنچه بیان شد، تلفیق مراکز مشاوره و داوری به ارتقای توان کارشناسی مرکز جامع می‌انجامد. گروهی متشکل از کارشناسان و خویشان زوجین به‌آسانی می‌توانند علل فردی،

میان‌فردی و فرافردی مشکلات خانواده را شناسایی، و برایش راه‌حل ارائه کنند؛

۲. ظرفیت اصلاحی مرکز جامع داوری و مشاوره: در بند سابق ظرفیت کارشناسی مرکز جامع داوری و مشاوره تبیین گشت و روشن شد که مرکز مزبور با توجه به ترکیب اعضای آن قادر خواهد بود علل واقعی اختلاف را شناسایی و برایش راه‌حل ارائه کند. اینک اشاره می‌گردد که تصمیم‌ها یا مصوبات مرکز جامع در جهت اصلاح میان زوجین و پیشگیری از طلاق واقع‌بینانه است و همین ویژگی، آن را از قابلیت اجرایی برخوردار می‌سازد. افزون بر این، ممکن است زوجین در مقابل تصمیم‌ها یا مصوبات مرکز جامع مقاومت کنند و آن را نپذیرند. حضور اقارب بانفوذ و مطلع زوجین به مرکز جامع کمک می‌کند تا از نفوذ آنان برای متقاعد کردن زوجین و انصراف آنان از طلاق بهره‌جویند. از سوی دیگر، حل ریشه‌ای اختلاف نیازمند نظارت بر اجرای تصمیمات مرکز جامع است. حضور اقارب زوجین در مرکز جامع این امکان را فراهم می‌آورد که بتوانند بر فرایند اجرای مصوبات خود نظارت کنند و در صورت لزوم، جلسات خود را با دعوت از زوجین، تکرار و از بازگشت آنان به وضعیت سابق پیشگیری نمایند.

قبلاً اشاره شد که قوانین فعلی صلاحیت مرکز کارشناسی و داوری را به دعوای طلاق محدود کرده است. اینک لازم است اشاره شود که مرکز جامع با توجه به توان کارشناسی و اصلاحی ذکر شده می‌تواند مرجع قابل اعتمادی برای رسیدگی غیرقضایی به همه مشکلات خانواده باشد و بار سنگین محاکم قضایی را کم نماید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مشکلات خانواده به سه منشأ کلی نادانی، ناتوانی و نافرمانی بازگردانده شد و سه راهبرد کلی برای مقابله با آنها و تحکیم خانواده بررسی گشت. طرح آموزش و آگاهی‌بخشی در ابعاد حقوقی، اخلاقی و مهارتی؛ طرح حمایت و توان‌افزایی شامل فقرزدایی و درمانگری؛ و طرح مشاوره و داوری، مجموعاً یک بسته کامل حمایتی است که می‌تواند مشکلات خانواده را سامان‌دهی کند.

در قوانین و مقررات خانواده، الزامات حقوقی متنوعی در خصوص آموزش، مهارت‌افزایی، حمایت و درمانگری مشاهده می‌شود؛ هرچند مخاطبان قانون نسبت به اجرای آن قصور ورزیده‌اند و غرض قانون‌گذار تأمین نشده است. مقررات مربوط به داوری در محاکم خانواده با آنچه در فقه اسلامی مطرح می‌گردد انطباق ندارد و نمی‌تواند مؤثر واقع گردد. در عمل نیز داوران در ایجاد سازش میان زوج‌ها کم‌توفیق هستند. به همین دلیل این نوشتار طرح ارتقای داوری را از طریق تلفیق

مراکز مشاوره و داوری بررسی می‌کند و به جای داوری فردی، داوری گروهی متشکل از اعضای ثابت (کارشناسان مختلف و مرتبط با مسائل خانواده) و متغیر (زوجین و اقارب آنان) را پیشنهاد می‌نماید. داوری سازمانی یا سازمان داوری با ترکیب فوق از توان کارشناسی و اصلاحی بسیار مطلوبی در مسائل خانواده برخوردار خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغة (۱۴۱۴ق). قم: مؤسسه نهج البلاغه.
۳. آذر، ماهیار، ونوحی، سیما، (۱۳۸۷). راهنمای کاربردی درمان اختلالات عملکرد جنسی. تهران: انتشارات معین. چاپ دوم.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین. چاپ چهارم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۷. حلبی (ابن زهره)، حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق). نية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۸. حلی (محقق)، جعفر بن الحسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. _____ (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة. الطبعة السادسة.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت-دمشق: دارالعلم - الدار الشامیة.
۱۱. روحانی، سیدمحمد صادق، (۱۴۱۲ق). فقه الصادق. قم: مؤسسه دار الکتب. چاپ سوم.
۱۲. ریچار پی. هالجن و سوزان کراس دیتبورن، (۱۳۹۱). آسیب شناسی روانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان. چاپ یازدهم.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۴. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تفتیح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی. تهران: کانون وکلای دادگستری مرکز. چاپ چهارم.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. چاپ دوازدهم.
۱۹. متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد. چاپ اول.
۲۰. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق). سلسله الینایع الفقهیه. بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.

۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. مصطفوی، سیدمحمد کاظم (۱۴۲۱ق). مائة قاعدة فقهية. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ چهارم.
۲۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن، (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية. قم: نشر الهادی. چاپ اول.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۰). تحرير الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان. چاپ دوم.
۲۵. مؤمن سبزواری، محمد باقر بن محمد (بی تا). کفایة الأحكام. اصفهان: انتشارات مهدوی.
۲۶. نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم.
۲۷. واحدی، قدرت الله (بی تا). بایسته های آیین دادرسی مدنی. تهران: نشر میزان. چاپ سوم.
۲۸. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۶). کارکردهای اصل عفاف در حقوق خانواده، حقوق اسلامی. سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۵۱، ص ۶۹-۴۱:
۲۹. _____ (۱۳۸۷). داوری در حقوق خانواده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. _____ (۱۳۹۶). نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

